



انتشارات ادیبان روز

دموکراسی در افول

بازسازی آینده خود

تألیف:

فیلیپ کاتلر

ترجمه:

حسین علی سلطانی

سیده اسماء الزهرا اصولی

خواننده عزیز، امیدوارم که هر تابعیت یا باور سیاسی که دارید، درباره نظام سیاسی فعلی خود مطالعه و تفکر کنید و توجه کنید که چگونه می‌توان آن را در راستای خدمت و جلب رضایت منافع اکثر مردم، به‌طور بهتری اجرا کرد. بدبینی فقط باعث می‌شود شما افسرده و تسلیم شوید. من همیشه خوش‌بین هستم، چون یک‌چیزی که خوش‌بینی انجام می‌دهد این است که شمارا وادار به حرکت می‌کند- فیلیپ کاتلر (پی‌کی).^۱

در تقدیر از چهار رئیس‌جمهوری که در کوه راشمور^۲ تندیس شده‌اند. جرج واشنگتن^۳، توماس جفرسون^۴، آبراهام لینکلن^۵ و تئودور روزولت^۶.

سیاسگزاری

مایل هستم که از افراد زیر برای کمک‌هایی که به من در نوشتن این کتاب کرده‌اند به ترتیب الفبا تشکر کنم. ویلیام کوتلر^۷ برای خواندن منتقدانه‌ی مربوط به دادگاه عالی؛ میلتن کاتلر^۸ برای کتاب فوق‌العاده‌اش با عنوان دولت همسایه^۹، ناسی کاتلر^{۱۰} برای خواندن منتقدانه‌ی دست‌نویس و اسرار بر ایجاد تعادل؛ لاری لسیج^{۱۱} برای نوشتن کتاب بی‌نظیر جمهوری^{۱۲}، گم‌شده^{۱۳}، نورمن اورنستین^{۱۴} برای نظرات زیرکانه در کتاب بدتر از آن است که به نظر می‌رسد^{۱۵}؛ کریستن سارکار^{۱۶} برای اثر عالی او در www.fixcapitalism.com and www.democracyindecline.com و دنی استرن^{۱۷} برای مشارکت با من در ممکن ساختن این کتاب.

1 Philip Kotler= PK

2 Mount Rushmore

3 George Washington

4 Thomas Jefferson

5 Abraham Lincoln

6 Theodore Roosevelt

7 William Cotter

8 Milton Kotler

9 Neighborhood Government

10 Nancy Kotler

11 Larry Lessig

12 Republic

13 Lost

14 Norman Ornstein

15 It's Even Worse Than It Looks

16 Christian Sarkar

17 Danny Stern

درباره نویسنده

فیلیپ کاتلر، دارنده درجه استاد ممتاز اس.سی. جانسون در رشته بازاریابی بین‌الملل^۱ از دانشکده مدیریت کلوگ دانشگاه نورث وسترن^۲ در شمال شیکاگو است. جدیدترین کتاب او، مقابله با نظام سرمایه‌داری (کاپیتالیسم)^۳: در خصوص راه‌حل‌های واقعی برای یک سیستم اقتصادی مشکل‌دار (۲۰۱۵)^۴، رشد اقتصادهای بزرگ و موفقیت در رسیدن به اهداف برای اقتصادهایی که در حال رشد می‌باشند. پروفیسور کاتلر، نویسنده بیش از ۵۰ کتاب درباره‌ی بازارها و بازاریابی^۵ است. وی به‌عنوان اقتصاددانی که در دانشگاه شیکاگو (تحت عنوان دریافت‌کنندگان نوبل^۶ - میلتون فریدمن^۷) و ام.آی.تی.^۸ تحصیل کرده، (تحت عنوان دریافت‌کنندگان نوبل، پاول ساملسون و رابرت سالو^۹) دانشنامه خود را درباره چگونگی کار بازارها و بازاریابی ارائه کرده است و اولین ارائه‌دهنده بازاریابی مدرن^{۱۰} و رشته نوظهور اقتصاد رفتاری^{۱۱} است. به‌عنوان کارشناس بررسی نحوه تصمیم‌گیری برای خرید توسط خریداران، بازاریابی را برای توصیف اینکه خریداران چگونه در تمامی موضوع‌ها تصمیم می‌گیرند، توسعه داده است.

1 International Marketing

2 Kellogg School of Management, Northwestern University

3 Confronting Capitalism

4 Confronting Capitalism: Real Solutions for a Troubled Economic System (2015)

5 Markets and Marketing

6 Nobel Laureate

7 Milton Friedman

8 M.I.T

9 Paul Samuelson and Robert Solow

10 Developer of Modern Marketing

11 Behavioural Economics

پیشگفتار مولفین

این‌ها دوران چالش‌برانگیزی برای دموکراسی‌ها هستند. اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۱۵ به‌سختی از تهدید خروج یونان نجات پیدا کرد، اکنون با امکان خروج بریتانیا به‌عنوان بزرگ‌ترین منتقد پناهندگی از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون مواجه است. در آن‌سوی اقیانوس اطلس، اتهام احتمالی رئیس‌جمهور برزیل دیلما روسوف^۱ به اختلاس و کلاه‌برداری منجر به فلج شدن دولت شده تا جایی که اقتصاد به‌شدت رو به افول است. علاوه بر آمریکای شمالی، قاچاق دارو (مواد مخدر)^۲ و جنایات سازمان‌یافته در آمریکای مرکزی، سازمان‌های دولتی را در معرض تضعیف شدن قرار داده است. همچنین در ایالات‌متحده، جایی که فرایندهای قانون‌گذاری به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر دوقطبی شدن‌ها و خط‌مشی‌ها می‌باشد اعتماد عمومی به دولت در حد اعتماد به قوانین قدیمی افت کرده است. طبق تحقیق جدید که توسط مرکز تحقیقات پیو^۳ انجام شده، تنها ۱۹ درصد آمریکایی‌ها گفته‌اند که همیشه یا بیشتر اوقات به دولت اعتماد دارند و حدود ۷۵ درصد معتقدند بیشتر مقامات منتخب عقاید شخصی خود را برای اداره امور رأس کشور به کار می‌بندند.^(۱) به نظر نمی‌آید این موارد در طی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ بهبود یابند. هرچه که به محیط فاسد مبارزات ملی متمرکز می‌شوند، حزب جمهوری‌خواه^۴ بیشتر با یک جنگ داخلی علیه هویت خود مواجه است و برای تأثیرگذاری بر نتیجه انتخابات متحمل هزینه‌های خارجی بسیاری می‌شود.

چگونه باید سلامتی دموکراسی‌ها^۵ را بسنجیم؟ این یک پرسش پیچیده است، پرسشی است که می‌توان از راه‌های مختلف به آن پاسخ داد اما می‌توان از طریق تحلیل‌های بسیار دقیق مستقل از سیاست و ایدئولوژی^۶ به آن پاسخ داد. خانه آزادی^۷، یک سازمان غیرانتفاعی که دموکراسی را در جهان ترویج می‌دهد، تلاش کرده تا از طریق گزارش سالانه آزادی در جهان به این سؤال پاسخ دهد. در انتخابات دوره ۲۰۱۶ تیمی متشکل از بیش از صد تحلیلگر و مشاور طیف وسیعی از موضوع‌ها را از ۱۹۵ کشور و ۱۵ سرزمین مورد انتخاب و آزمایش قرار دادند و سپس یک سیستم سنجش سه‌درجه‌ای برای ارزیابی وضعیت حقوق سیاسی و آزادی‌های شهروندی اعمال کردند. ۷۲ کشور نسبت به سال قبل افت کرده بودند، که بیشترین افول از آغاز رکود طولانی همین دهه بود.^(۲)

فیلیپ کاتلر در کتاب جدیدش، دموکراسی در افول^۸، در همان زمان که افق‌های دید جدید به‌شدت مورد نیاز بود، دیدگاه تازه‌ای نسبت به موضوع ایجاد کرد. کاتلر، پدر بازاریابی مدرن، (همان‌طور که به‌خوبی شناخته شده است)، بیش از هر کس دیگری برای ایجاد انقلابی در تئوری و تمرین بازاریابی تلاش کرده

1 Brazilian President Dilma Rousseff
2 Drug trafficking
3 Pew Research Center
4 Republican Party
5 Democracies
6 Politics and ideology
7 Freedom House
8 Democracy in Decline

است. کتاب کلاسیک او، مدیریت بازاریابی^۱، اکنون در چاپ پانزدهم، یک کتاب ضروری برای دانشجویان کسب‌وکار در سراسر جهان می‌باشد. با اتخاذ تحلیل دقیق اقتصادی و روش‌شناسی به این موضوع، چیزی که شکلی از هنر بود را به علم تبدیل کرد- و به لحاظ نمودن بازاریابی به‌عنوان جزء لاینفک استراتژی شرکت کمک کرد. یکی از تفکرات اصلی او این است که بازاریابان و مشتریان در حال تبادل ارزش‌ها هستند، نه محصولات. این واقعیت که امروزه موفق‌ترین شرکت‌ها تأکید زیادی روی نیازهای مشتریان می‌کنند، نه روی افزایش قیمت‌ها، عمیقاً باعث اعتبار مفاهیم این دیدگاه شده است. با توجه به گرایش‌های فرهنگی و نوآوری‌های فناوری که روی رفتار مشتری تأثیر می‌گذارد، کاتلر به تکمیل تفکرات خود طی سال‌ها ادامه داده است. برای مثال: تلاش‌های اولیه او بر روی بازاریابی اجتماعی^۲، درحالی‌که افراد غیرانتفاعی و حرفه‌ای بخش عمومی را برای اعمال استراتژی‌های بازاریابی شرکتی به‌عنوان راهی برای افزایش تأثیرات اجتماعی توانمند می‌کرد، شرکت‌ها را نیز قادر می‌ساخت تا مسئولیت اجتماعی^۳ را به‌عنوان یک استراتژی سودمند تلقی کنند.

کاتلر اخیراً به‌سوی آسیب‌پذیری سیستم‌های سیاسی و اقتصادی گرایش پیدا کرده است. در کتاب رویارویی با نظام سرمایه‌داری، سال ۲۰۱۵، فاکتورهای کلیدی تضعیف‌کننده‌ی رشد اقتصاد را بررسی کرده و یک مسیر پایدار برای رفاه مشترک را مشخص کرده است. اکنون، با دموکراسی در افول، هدف او تقویت سیاست‌های آمریکا با مجموعه‌ای از اصلاحات است. با بیش از ۵۰ سال پژوهش در دانشکده مدیریت کلوگ دانشگاه نورث وسترن، چشم‌انداز سیاسی آمریکا را از دید یک کارشناس مدیریت بازاریابی بررسی کرده و یک «محصول» بلندمدت (دموکراسی) که دیگر پاسخگوی نیازهای «مشتریان» (شهروندان) نیست را شناسایی کرده است. تشخیص او درباره ۱۴ چالش درگیر باهم در دموکراسی ایالات‌متحده و پیشنهادها برای غلبه بر هر یک از آن‌ها، بحثی چالش‌برانگیز بین پژوهشگران، دست‌اندرکاران و شهروندان مسئول به راه انداخته است. هرکسی که دغدغه آینده آمریکا و دموکراسی در سراسر جهان را دارد باید به‌خوبی به این‌ها توجه داشته باشد.

دکتر دانیل دایر میر

دین، هاریس دانشکده سیاست عمومی، دانشگاه شیکاگو

نکات

1 www.peoplepress.org/2015/11/23/beyondtrusthowamericansviewtheirgovernment/

2 <https://freedomhouse.org/report/freedomworld/freedomworld2016>

1 Marketing Management

2 Social Marketing

این کتاب در سال ۲۰۱۲ توسط انتشارات سیج به قلم خانم نانسی و پروفیسور فیلیپ کاتلر منتشر شده است و در سال ۱۳۹۳ با همکاری انتشارات سیته، توسط دکتر کامبیز حیدرزاده و حسین علی سلطانی به بازار عرضه گردیده است و هم اکنون در بازار موجود می‌باشد.

3 Social Responsibility

پیشگفتار مترجمان

دموکراسی یک ایدئولوژی و شکلی از حکمرانی است که دولت‌ها کشورها را براساس ارزش‌ها و اصول لیبرالیسم کلاسیک اداره می‌کنند. شاخصه‌های دموکراسی عبارتند از برگزاری انتخابات، احزاب سیاسی چند گانه، استقلال قوای قضایی، مجریه و مقننه، حاکمیت قانون، اقتصاد بازار و مالکیت خصوصی. اما همه این‌ها روکش بود و زیربنای دموکراسی حفظ منافع یک درصد از جمعیت جهان بود.

برخی ریشه‌های دموکراسی و نام آن را به دوره روشنگری در اروپای قرن هجدهم متسبب می‌دانند؛ اما این اصطلاح بعد از جنگ اول جهانی در ادبیات سیاسی وارد شد. در سال ۱۹۱۸، وودرو ویلسون، رئیس جمهوری وقت آمریکا درصدد احیای دموکراسی، یک نظام سیاسی متولد شده در عصر روشنگری در اروپا برآمد و در بسیاری از سخنرانی‌ها، دکترین و حتی محافل عمومی و خصوصی نیز به کرات از این واژه استفاده کرد. ویلسون معتقد بود، این نظام می‌تواند نقش مهمی در آزادی و مساوات داشته باشد. از نظر او سیاست، نیازمند مصالحه است و قدرت سیاسی متمرکز جایز نیست. ویلسون در دکترین خود، موسوم به اصول چهارده ماده‌ای ویلسون، تاکید کرد، دیپلماسی بین ملت‌ها باید شفاف باشد. موانع تجاری باید محدود شود و اخلاق و قانون در روابط میان دولت و ملت حاکم شود. وی همچنین تاکید کرد برای حفظ صلح بین المللی لازم است کشورها به سمت امنیت دسته جمعی حرکت کنند.

این شعارهای زیبای ویلسون، همان زمان در کنگره آمریکا رد شد، اما طرفداران این ایده‌ها در نهایت بعد از جنگ جهانی دوم، توانستند با تشکیل سازمان ملل، ایده‌های ویلسون را به ظاهر اجرا کنند. اما بسیاری از تحلیلگران معتقدند، سازمان ملل ربنایی برای تحکیم قدرت آمریکا در سراسر جهان با شعارهای جذاب همگرایی و همکاری بود. حق و تو در سازمان ملل، اولین نشانه افول یکی از مصادیق دموکراسی یعنی مساوات و برابری بود.

ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که اکثریت مردم می‌خواهند در دموکراسی زندگی کنند؛ اما هنوز، بسیاری از مردم جهان از سرکوب، فساد و دیکتاتوری رنج می‌برند. استاندارد وحشتناک پایینی برای زندگی دارند و در صحبت کردن احساس امنیت یا آزادی ندارند. آن‌ها مشتاق دموکراسی و رفاه هستند. در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در مصر یک جنبش آزادی‌خواه شروع به حرکت کرد و حتی در سال ۲۰۱۰ تظاهراتی در تونس آغاز شد که با توجه به بیکاری بالا، تورم مواد غذایی، فساد، شرایط بد زندگی و فقدان آزادی سیاسی پیش‌بینی شده بود. سپس انقلاب‌های مصر و تونس منجر به تظاهراتی در سایر کشورهای عربی از جمله یمن، بحرین، اردن، سوریه و لیبی شد.

در کتاب دموکراسی در افول، فیلیپ کاتلر به‌عنوان یک اقتصاددان و بازاریاب حرفه‌ای^۱، به بررسی این موضوع‌ها می‌پردازد که دموکراسی چگونه به رأی‌دهندگان خدمت می‌کند؟ اگر به دموکراسی به‌عنوان یک محصول نگاه کنیم باید پرسیم که آیا این محصول به‌خوبی ساخته شده است؟ و چقدر برای مشتریان

رضایت‌بخش است؟ چگونه قرار است فروخته شود؟ و آیا دموکراسی تمام انتظارات شهروندان را برآورده می‌کند؟ کاتلر در این کتاب به این سوالات به خوبی پاسخ داده است.

اما کتاب حاضر در یازده فصل توسط فیلیپ کاتلر تهیه و تنظیم شده که در فصل اول خود چارچوبی را برای «چرا دموکراسی در آمریکا یا جایی دیگر جواب نمی‌دهد» ارائه می‌دهد. در ادامه، فصل دوم، اصلاح انتخاب و چرا شهروندان رای نمی‌دهند یا تمایلی برای رای دادن ندارند؟ اشاره دارد. فصل سوم اصلاح کنگره و اینکه چرا عملکرد کنگره ضعیف می‌باشد؟ را بررسی می‌کند و در فصل چهارم اصلاح شعبه اجرایی و آیا رئیس‌جمهور خیلی قدرتمند است؟ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل پنجم موضوع اصلاح فرایند قضایی فدرال- آیا شکل‌دهی قضایی قانونی می‌باشد؟ مورد توجه قرار گرفته و فصل ششم اصلاح روابط ایالت‌های فدرال- آیا ایالت‌ها بیش از اندازه مستقل هستند؟ را بررسی می‌کند. اما در فصل هفتم کتاب مفاهیم اصلی اصلاح احزاب سیاسی و آیا احزاب بیش از اندازه انعطاف‌ناپذیر هستند؟ مورد بحث قرار می‌گیرد. اصلاح سیاست خارجی و چه کسی باید سیاست شکل‌گیری را تعیین کند؟ در فصل هشتم مورد بحث قرار می‌گیرد. فصل نهم کتاب موضوع‌های مرتبط با اصلاح خدمات حکومتی و آیا کارکنان دولت کارآمد هستند و آگاه هستند که آنها خادم عامه مردم هستند؟ را محور بحث‌های خود قرار داده است. و در نهایت در فصل دهم و یازدهم به هدایت با بصیرت و سیاستمداری و برای بازسازی دموکراسی چه چیزی لازم است؟ و همچنین مواجهه با موضوع‌های حل نشده سیاست دولت می‌پردازد.

امیدواریم کتاب پیش رو برای مدیران ارشد بنگاه‌های اقتصادی به عنوان کاربران دانش، اساتید و همکاران دانشگاه و دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز بویژه دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های مدیریت بازرگانی، اقتصاد، علوم سیاسی و رشته‌های مختلف مفید واقع شده شود. امید است این اثر مورد توجه خوانندگان محترم قرار گیرد. به هر حال مشتاقانه آماده دریافت نظرها و پیشنهادهای تمامی خوانندگان محترم از طریق پست الکترونیک هستیم.

حسین علی سلطانی¹

سیده اسماء الزهرا اصولی

فهرست مطالب

صفحات	عنوان
۱۳	مقدمه: چالش دموکراسی در یک جهان در حال تغییر
۲۳	فصل ۱: چرا دموکراسی در آمریکا یا جایی دیگر جواب نمی‌دهد- چرا داشتن انتخابات کافی نیست.
۴۵	فصل ۲: اصلاح انتخاب- چرا شهروندان رای نمی‌دهند؟
۷۷	فصل ۳: اصلاح کنگره- چرا عملکرد کنگره ضعیف می‌باشد؟
۱۰۳	فصل ۴: اصلاح شعبه اجرایی- آیا رئیس‌جمهور خیلی قدرتمند است؟
۱۱۵	فصل ۵: اصلاح فرایند قضایی فدرال- آیا شکل‌دهی قضایی قانونی می‌باشد؟
۱۲۹	فصل ۶: اصلاح روابط ایالت‌های فدرال- آیا ایالت‌ها بیش از اندازه مستقل هستند؟
۱۳۵	فصل ۷: اصلاح احزاب سیاسی- آیا احزاب بیش از اندازه انعطاف‌ناپذیر هستند؟
۱۴۹	فصل ۸: اصلاح سیاست خارجی- چه کسی باید سیاست شکل‌گیری را تعیین کند؟
۱۵۹	فصل ۹: اصلاح خدمات حکومتی- آیا کارکنان دولت کارآمد هستند و آگاه می‌باشند که آنها خادم عامه مردم هستند؟
۱۷۱	فصل ۱۰: هدایت با بصیرت و سیاستمداری- برای بازسازی دموکراسی چه چیزی لازم است؟
۱۸۹	فصل ۱۱: مواجهه با موضوع‌های حل‌نشده سیاست دولت

مقدمه

چالش دموکراسی در یک جهان در حال تغییر

«این بهترین دوران بود، این بدترین دوران بود، این دوره خردمندی بود، این دوره حماقت بود، این عصر عقیده بود، این عصر بی‌اعتقادی بود، این فصل نور بود، این فصل تاریکی بود، این بهار امید بود، این زمستان ناامیدی بود، ما هر چیزی را پیش روی خود داشتیم، ما هیچ چیزی را در پیش روی خود نداشتیم، ما همگی مستقیم به بهشت می‌رفتیم، ما همه مستقیماً مسیر دیگری می‌رفتیم».

چارلز دیکنز، روایت دو شهر

جهان با سرعتی بیشتر از همیشه در حال تغییر است. همه چیز تحت تأثیر پیشرفت در علم و فناوری و بالا رفتن سرعت اینترنت، دیجیتالی شدن و جهانی شدن قرار دارد. نظم قدیمی دنیای مدرن در حال تغییر به نظم جدید دنیای مدرن است، دنیایی که از یک سو پر از عدم اطمینان و عدم امنیت و از سوی دیگر اقیانوسی از فرصت‌ها و امکانات جدید است.

اکنون ۷ میلیارد انسان روی کره زمین وجود دارد که قرار است تا سال ۲۰۵۰ به ۹ میلیارد نفر برسد. ۵ میلیارد نفر در فقر زندگی می‌کنند. بسیاری از مردم جهان از ریشه خود جدا شده‌اند، از محل تولدشان به سمت پناهگاه‌های ایمن حرکت کرده‌اند. مردمی وجود دارند که در حال جنگیدن هستند. تروریست‌ها در حال بمباران کردن هستند. بسیاری از دولت‌ها نظرات عمومی را سرکوب می‌کنند. نگرانی برای دموکراسی عمومی در همه جا وجود دارد اما توسط عواملی که به جای بهبود شرایط زندگی روی نگهداری شرایط موجود پافشاری می‌کنند، سرکوب می‌شود.

بله مردم باید توسط دولت اداره شوند که از هرج و مرج و آشوب جلوگیری شود؛ اما چه چیزی باعث می‌شود یک دولت خوب باشد و دیگری سرکوب‌کننده؟ دیگر سلطنت‌طلبان پاسخ این سؤال نیستند. جواب، یک سیستم حزب سیاسی همانند چیزی که در چین وجود دارد است، اما مردم باید دعا کنند این سیستم خوش‌خیم باشد. امروزه پاسخ اصلی این است، اگر کاندیداها حق شرکت در انتخابات و شهروندان حق انتخاب رهبرشان را داشته باشند، دولت خوب شانس بهتری دارد. امروزه بیشتر مردم دموکراسی (مردم‌سالاری) را به حکومت مطلق (اوتوکراسی)^۱ یا حکومت اغنیاء (پلوکراسی)^۲ ترجیح می‌دهند.

1 Autocracy

2 Plutocracy

اما دموکراسی یک سیستم ساده نیست؛ نیازمند چیزی بیش از انتخابات آزاد است. نیازمند شهروندانی است که دارای دانش باشند و در رأی‌گیری شرکت کنند. نیازمند انجمن آزاد شهروندان برای بحث در موضوع‌های در هنگام نیاز و سازمان‌دهی یک اعتراض آرام هستند. نیازمند انتشارات آزاد و تعداد دو و یا بیشتری حزب سیاسی است که بتوانند آزادانه پیشنهادها و اهداف خود را ارائه دهند و بحث کنند.

ایالات متحده آمریکا چنین دموکراسی را ارائه می‌دهد؛ که توسط مجموعه‌ای از افراد نابغه تأسیس شده که انتخاب کرده‌اند برای استقلال از بریتانیای بزرگ و شکل‌دهی جمهوری جدیدی «از مردم، به وسیله مردم و برای مردم» بجنگند. توماس جفرسون^۱ و کمیته ۵، در توضیح استقلال اظهار داشته‌اند:

ما این حقیقت را به خودمان واگذار کرده‌ایم که همه افراد یکسان و با حقوق بی‌ظنیر و غیرقابل تحمیل از جانب پروردگار آفریده شده‌اند که زندگی، آزادی و شادی از جمله این حقوق هستند.

دموکراسی آمریکا طی ۲۴۰ سال گذشته از مراحل و تغییرات متعددی عبور کرده و تأثیرات زیادی از چنین رئیس‌جمهورهایی مانند جورج واشنگتن^۲، توماس جفرسون^۳، اندرو جکسون^۴، آبراهام لینکلن^۵، تئودور روزولت^۶، فرانکلین روزولت^۷، رونالد ریگان^۸، ویلیام کلینتون^۹ و باراک اوباما^{۱۰} پذیرفته است.

امروزه شمار زیادی از کاندیداهای جدید ریاست جمهوری وجود دارند که امیدوارند ماهیت دموکراسی آمریکا را شکل داده یا تغییر دهند. ۱۷ کاندیدا مختلف برای حزب جمهوری‌خواه و ۳ کاندیدا برای حزب دموکراتیک^{۱۱} به راه افتاده‌اند. جورج بوش^{۱۲} تمایل خود برای بازگشت به انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۳ را اعلام کرد و سایرین در مدت کمی او را دنبال کردند. با توجه به اینکه انتخابات احتمالاً در نوامبر ۲۰۱۶ باشد، این کاندیداها باید برای مدت بیش از ۳ و نیم سال در این اداره مجری باشند. به نظر می‌رسد که چنین دوره طولانی انتخاباتی، برای شناختن باورها و ارزش‌های کاندیداها نیست بلکه برای این است که ببینیم کدام‌یک استقامت کافی دارند! هر کاندیدا بیشترین زمان، پول و انرژی خود را به مدت سه و نیم سال برای صحبت با مردم و افزایش درآمد صرف می‌کند.

از بین کاندیداها دو نفر بیشتر از بقیه مطرح شدند. اولی دونالد ترامپ^{۱۳} است که بیشترین توجه را به خود

1 Thomas Jefferson
 2 George Washington
 3 Thomas Jefferson
 4 Andrew Jackson
 5 Abraham Lincoln
 6 Theodore Roosevelt
 7 Franklin Roosevelt
 8 Ronald Reagan
 9 William Clinton
 10 Barack Obama
 11 Democratic Party
 12 Jeb Bush
 13 Donald Trump

جلب کرده و خیلی صریح و رک گو است. او اصلاح سیاسی را با بیان کردن اینکه تمام مهاجران غیرقانونی مکزیکی به خانه فرستاده می‌شوند و آمریکا دیواری بین آمریکا و مکزیکی با هزینه مکزیکی خواهد ساخت که مهاجران را هرچه بیشتر دور از آمریکا نگاه دارد، از ورود مسلمانان به کشور جلوگیری می‌شود و تبعیض‌های دیگری که با ایده‌آل‌ها و باورهای آمریکایی در تقابل قرار دارد. با این وجود به نظر می‌رسد هر موضوع جدیدی در «سیاست انزجار» او، رأی‌های بیشتری برایش جمع می‌کند. او عمدتاً گروه‌های عصبانی و کم‌درآمد که احساس می‌کنند لگدمال شده‌اند و توسط حزب‌ها و سیاستمداران نادیده گرفته شده‌اند و همچنین کسانی را که صدایی تازه برای ابراز نارضایتی‌هایشان می‌خواهند را جذب کرد. ترامپ یک پدیده نادر و خاص در سیاست آمریکا است که هرکسی را در حزب محافظه‌کار جمهوری‌خواه موجود، دلسرد کرده است.

شخص دیگری که مطرح است، برنی سندرز^۱ است، یک شخصیت مستقل از دید اکثر حرفه‌ای‌های سنا، ۷۴ ساله و به‌عنوان یک سوسیالیست دموکرات^۲ یا دموکراتیک اجتماعی. برنی از دریافت کمک‌هزینه میلیاردی و سوپر کمیته‌های عملیات سیاسی^۳ (کمیته‌های عملیات سیاسی که به‌صورت رسمی به‌عنوان کمیته‌هایی با فقط هزینه‌های مستقل شناخته می‌شوند) اجتناب کرده است و بر هدایای فردی که اکنون به چندین میلیون می‌رسد و به‌طور میانگین برای هرکسی ۲۷ دلار است، تکیه کرده است. او بیش از ۲۰ طرح پیشنهادی لیبرال^۴ را با دقت بررسی کرده و هزینه تخمینی هرکدام را ارائه داده است. تحصیلات دانشگاهی رایگان، برنامه پرداخت فردی برای پوشش سلامت، افزایش حداقل حقوق به ۱۵ دلار، مالیات بر درآمد و ثروت بیشتر، کسب درآمد بیشتر از سیاست، مبارزه با تغییرات اقلیمی، مبارزه با تبعیضات نژادی، افزایش حقوق زنان و هم‌جنس‌گرایان، کاهش قیمت دارو و بازسازی و تجدید‌وال‌استریت^۵ از برنامه‌های او هستند. اساس پیشنهادها و این است که یک دموکراسی ایده‌آل به آموزش، سلامتی و رفاه تمام شهروندان اهمیت می‌دهد. برنامه‌های او همان خواسته‌های مهم و بزرگ افراد ایده‌آل‌گرای جوان و افرادی که بعد از جنگ جهانی دوم به دنیا آمدند می‌باشد همان‌هایی که شکوه ۱۹۶۰ را که برای حقوق شهروندی، حقوق هم‌جنس‌گرایان و حقوق زنان می‌جنگیدند به یاد دارند؛ مشکل اصلی سندرز این است که آیا به‌عنوان رئیس‌جمهور، شانسی برای پذیرفته شدن طرح‌های پیشنهادی‌اش از سوی کنگره را دارد یا خیر؟

اقتدار کم‌درآمد و همچنین طبقه متوسط جامعه احساس کردند، که محروم شده‌اند و در حاشیه قرار گرفته‌اند. آن‌ها نگران شغل‌ها، درآمدها و ارزش‌های متغیر جامعه هستند. برخی از سیاستمداران به‌سرعت پیام‌های ترس

1 Bernie Sanders

2 Democratic Socialist

3 Super PACs = political action committees, officially known as 'independent expenditure-only committees

4 Liberal

5 Wall Street

و خشم برای توجه به طبقه متوسط درآمد و توجه کردن به جایی که سیاستمداران سابق به آن توجه نمی‌کردند، ابراز می‌کنند. سایر کاندیداها به دنبال راه‌حل‌های جدیدی می‌گردند که به آسانی شدنی نیست. این رسانه توسط افراد ماهری که هدف آن‌ها کشف نگرانی‌های موجود، واقعی و درک شده است، اداره می‌شود.

هرکس که رئیس‌جمهور آمریکا شود با مجموعه‌ای از موضوع‌های ملی و گیج‌کننده روبرو می‌شود که کنگره روی آن‌ها کار نمی‌کند: سقط‌جنین^۱، مبارزه تبلیغاتی سرمایه‌داری، حمایت از مصرف‌کننده، اقلیم و آلودگی، جنگ مواد مخدر، جنگ اسلحه، مراقبت‌های بهداشتی، مهاجرت، زیرساخت، دفاع و مسائل نظامی، امنیت ملی، فقر، امنیت اجتماعی بازنشستگی، وام‌های دانشجویی و مالیات‌ها.

فراتر از این مسائل نیروها و تهدیدات وسیع‌تر باید با دقت درک و مدیریت شوند:

- اینترنت و رسانه‌های اجتماعی باعث ارتباط هرچه بیشتر در جهان شده است. مردم سراسر جهان به اطلاعات بیشتر و سیستم‌های رتبه‌بندی بیشتری برای راهنمایی و تصمیم‌های شخصی‌شان اینکه چه چیزی بخزند و از کجا بخزند و به چه کسی رأی بدهند، دسترسی دارند. انقلاب‌های قوی اما شکست‌خورده در مصر، سوریه و لیبی با قدرت اینترنت، در ارتباط دادن مردم به یکدیگر ممکن شده است. از آن‌طرف، مردم بیشتر قبیله‌ای شده‌اند و بیشتر به گروه‌های خودشان گوش می‌دهند و نظرات آن‌ها را می‌خوانند و گوش می‌دهند و به سایر گروه‌ها توجه کمتری دارند. هر کس در حباب اطلاعات خودش قرار دارد و دیدگاه‌های دیگران را نمی‌بیند.
- پیشرفت در علم و فناوری، نظرات مردم درباره طبیعت جهان را تغییر می‌دهد. ما اکنون بیشتر درباره زندگی در یک جهان (چند جهان) با میلیاردها ستاره و سیاره که با سرعت زیادی در حال گسترش است، می‌شنویم، تمام این‌ها سؤالاتی درباره اینکه ما چه هستیم و زندگی چه معنایی دارد را برمی‌انگیزد.
- کارهای مولدتر توسط روبات‌ها و برنامه‌های هوش مصنوعی انجام می‌شود که این تهدید را ایجاد می‌کند که آیا برای جمعیت رو به رشد جهان کار کافی وجود خواهد داشت یا خیر. بسیاری از آمریکایی‌ها نگران آینده‌اند و آماده هستند که بنیاد واشنگتن یا وال‌استریت یا گروه‌های اقلیت یا بیگانگان را سرزنش کنند.
- نگرانی فزاینده‌ای درباره رشد آهسته‌ی اقتصاد وجود دارد. قبلاً چین با نیاز بی‌پایان خود به غذا، مواد معدنی و محصولات از سایر کشورها، رشد بسیاری از ملت‌ها را تضمین می‌کرد و در مقابل این کشورها از محصولات ارزان‌تر چینی استفاده می‌کردند؛ اما چین در حال رکود است و با مشکلات مالی بسیاری که ناشی از رشد سریع هستند مواجه شده است. امروزه اکثر کشورها از بدهی‌های زیاد و ناتوانی در افزایش درآمد مالیاتی برای حفظ زیرساخت‌های سلامتی آموزشی و فیزیکی رنج می‌برند.

1 Abortion

- جهان با نگرانی رو به رشدی از ثروت مواجه است که در آن یک درصد از افراد، ۳۰، ۴۰ یا ۵۰ درصد از ثروت با درآمد ملی را در اختیار دارند. برای آمریکا این به این معناست که تمرکز ثروت روی کنگره است نه روی مردم و افراد کنگره انگیزه‌ای برای رأی دادن به سیستم بهتر را ندارند.
- همچنین در جهان ملت‌های سرکشی وجود دارند که زندگی سایر مردم را به خطر می‌اندازند. کره شمالی به ساختن بمب اتم ادامه می‌دهد. ایران اخیراً موافقت کرده که ساختن بمب‌های اتمی‌اش را متوقف کند. روسیه تحت فرماندهی پوتین،^۱ کریمه^۲ را که به اوکراین تعلق داشت از آن خود کرده است. جنبش افراطی مسلمانان جهادی داعش^۳ را ایجاد کرده است (که گاهی آی‌اس‌آی‌ال یا داعش نیز به آن گفته می‌شود) که سرزمین‌های اشغالی در خاورمیانه^۴ را می‌گیرند و تروریست‌ها^۵ و بمب‌گذارانی را برای تخریب اماکن مقدس سایر فرهنگ‌ها آموزش می‌دهند.

واضح است که رئیس‌جمهور بعدی آمریکا با مشکلات بی‌شماری مواجه است. احتمالاً یک رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه روی ترور و سیاست خارجی تمرکز می‌کند. یک رئیس‌جمهور دموکراتیک روی شغل‌ها و اقتصاد متمرکز می‌شود. هر دو چالش‌ها را ساده خواهند کرد. فقط می‌توان امیدوار بود که رئیس‌جمهور بعدی رابطه خوبی با سایر ملت‌هایی که موافق آزادی و دموکراسی هستند برقرار کند تا برای حل مشکلات با یکدیگر کار کنند. این مشکلات تا چند رئیس‌جمهور آینده خواهند داشت اما امیدواریم که پیشی برای گرفتن تصمیم‌های صحیح در زمان‌های صحیح وجود داشته باشد.

رئیس‌جمهور بعدی آمریکا باید نگران تعدادی از موضوع‌های داخلی باشد که روی عملکرد دموکراسی به‌خودی‌خود تأثیر می‌گذارند. شهروندان مطلع و شهروندانی که رأی بدهند به تعداد کافی وجود ندارند. ما شاهد تلاشی برای افزایش تقسیم ناعادلانه‌ی نواحی کنگره‌ای هستیم به‌طوری‌که قدرتمندان بتوانند همچنان در قدرت بمانند. ما شاهد تخطی از حقوق رأی‌دهی ۱۹۶۵ هستیم و پی بردیم که قانون‌گذاری‌های ایالتی نیازمند مدارک ملموس‌تری از شهروندی هستند که برای شهروندان فقیر گران تمام می‌شود. ما شاهد کنگره غیرعلنی با نمایندگان مجلس هستیم که می‌خواهند دولت را درباره سقط‌جنین و موضوع‌های مالکیت اسلحه خفه کنند. ما شاهد دیوان عالی هستیم که با ۵ تا ۴ رأی در مورد اتحادیه شهروندان در مقابل کمیسیون انتخاب‌گر فدرال (اف‌ای‌سی) ^۶ که در آن شرکت‌کنندگان مردم هستند و حق صرف پول نامحدودی روی کاندیداها مورد نظرشان دارند، تصمیم می‌گیرند. باید نگران این باشیم که انتخابات پر هزینه شده است و هر کاندیدا و ستاد انتخاباتی نسبت به موضوع‌های قانون‌گذاری سابق باید زمان بیشتری صرف

1 Russia under Putin

2 Crimea

3 Movement of Jihadist Muslims created ISIS

4 Middle East

5 Treasures

6 Citizens United v. Federal Electoral Commission (FEC)

هزینه‌ها بکند. پول زیاد انتخاب سیاستمداران ما است و از لابی‌گری برای تأثیر گذاشتن بر رأی‌ها استفاده می‌کنند. ما همچنین باید محدودیت‌های مدت‌زمانی را که برای رئیس‌جمهور ایالات متحده قرار داده می‌شود در نظر بگیریم که بیشتر از دو دوره روی کار نباشد (خدمت نکنند) و احتمالاً باید این محدودیت‌ها روی اعضای کنگره و قاضیان دیوان عالی نیز اعمال شوند. مسائل زیاد دیگری نیز وجود دارد.

من به‌عنوان یک اقتصاددان، کتاب مقابله با نظام سرمایه‌داری^۱ راه‌حل‌های واقعی برای یک سیستم اقتصادی مشکل‌دار را در سال ۲۰۱۵ منتشر کرده‌ام. ۱۴ نقص که نظام سرمایه‌داری آمریکا از آن رنج می‌برد را شناسایی کردم. این درست است که سرمایه‌داری در آمریکا ثروت اقتصادی زیادی ایجاد کرده اما تا زمانی که قانون مراقبت مقرون‌به‌صرفه در سال ۲۰۱۰ تصویب شد، ۴۵ میلیون آمریکایی بیمه سلامت نداشتند. امروزه ۱۵ درصد از مردم آمریکا در فقر شدید زندگی می‌کنند. بسیاری از آمریکایی‌ها تنها برای ساعتی ۷،۴۵ دلار کار می‌کنند و برای اینکه غذای کافی داشته باشند به کوپن‌های (ژتون‌های) غذایی احتیاج دارند. قدرت خرید اکثر کارگران آمریکایی با توجه به حقوقشان، کمتر از چیزی است که در سال ۱۹۷۰ وجود داشته است. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بدهی‌های زیادی به دانشگاه دارند که آن‌ها را از خریدهای اصلی و تشکیل خانواده بازمی‌دارد. ما زیرساخت‌های رو به انحطاط، بدهی‌های زیاد و فزاینده فدرال، جنبش وال‌استریت^۲ و سایر مشکلات را ذکر نکرده‌ایم. بسیاری از مردم بر این باور هستند که راه‌حل‌های زیادی برای حل این مشکلات وجود دارد.

در این کتاب جدید، دموکراسی در افول، می‌خواهم بررسی کنم که دموکراسی چگونه به رأی‌دهندگان خدمت می‌کند. به‌عنوان یک اقتصاددان و بازاریاب حرفه‌ای^۳، به ارزیابی محصولات عادت کرده‌ام. اگر به دموکراسی به‌عنوان یک محصول نگاه کنیم باید بپرسیم که آیا این محصول به‌خوبی ساخته شده؟ و چقدر برای مشتریان رضایت‌بخش است؟ چگونه قرار است فروخته شود؟ با توجه به عصبانیت و ناامیدی وسیعی که توسط شهروندان بی‌شماری طی انتخابات سال ۲۰۱۶ ابراز شد، دموکراسی تمام انتظارات شهروندان را برآورده نمی‌کند. آن‌ها قول‌های زیادی از کاندیداها شنیدند و دیدند که آن‌ها زمان زیادی را در رسانه‌های جمعی و نشریات چاپی برای تبلیغ موقعیت خود صرف کردند که باعث شد به‌ندرت خبر دیگری در طی این دوره شنیده شود. باید یک‌راه بهتر برای پیدا کردن کاندیداها خوب، آگاهی یافتن از پیام‌ها و موقعیت‌های آن‌ها داشته باشیم تا بتوانیم برای رأی دادن به آن‌ها قضاوت کنیم. من میدانم که یک محصول و روش فروش آن، چه زمانی به کار می‌آید. من بر این باور هستم که در سیستم فعلی برخی ایرادات طراحی وجود دارد که باید اصلاح شود. ما می‌توانیم یک سیستم اجرایی دموکراتیک بهتر طراحی کنیم.

1 Confronting Capitalism

2 Occupy Wall Street

3 Professional Economist and Marketer

زمانی بود که شهروندان محلی برای تصمیم‌گیری درباره موضوع‌هایی که در جامعه با آن مواجه می‌شدند باهم صحبت می‌کردند. شهرهای کوچک و نیوهامپشایر^۱ با جلسات شهروندی متعددی در سال مواجه بودند و بارأی اکثریت درباره موضوع‌های اجتماعی تصمیم می‌گرفتند. این زمانی بود که ما مردم و نه شرکت‌ها، کشور را اداره می‌کردیم.

امروزه هر دو سال یک‌بار انتخاب‌کنگره‌ای برگزار می‌شود. کمتر از ۶۰ درصد از افراد واجد شرایط در انتخابات ریاست جمهوری رأی می‌دهند. بالای ۹۶ درصد از سیاستمداران در اداره‌هایشان می‌مانند. سیاستمداران برای مبارزه‌های تبلیغاتی‌شان به پول احتیاج دارند. خیلی از آن‌ها این پول‌ها را از میلیاردرها یا مولتی میلیونرها می‌گیرند. آن‌ها نمی‌توانند این پول را بدون دادن چیزی به این افراد به دست آورند. نتیجه: قانون به شکل زیادی محافظه‌کار است، نه تنها برای محافظت از ثروت‌های بزرگ، بلکه به منظور افزایش آن‌ها. ما به سرعت در حال تبدیل شدن از دموکراسی به الیگارشی یا پلوتوکراسی^۲ هستیم. نتیجه‌گیری من این است که تضعیف دموکراسی، باعث تضعیف نظام سرمایه‌داری برای تولید منافع برای اکثر مردم ما است. دموکراسی به‌طور فزاینده‌ای در حال خدمت به علایق ثروتمندان است.

۱۴ ضعف دموکراسی

۱. سواد کم رأی‌دهی، اعتصاب و اجتماع و مشارکت
۲. کمبود کاندیداهای واجد شرایط
۳. باور کور به استثنا گرایی آمریکا
۴. نگرانی فزاینده عمومی نسبت به دولت
۵. شبکه دوحزبی که از قانون‌گذاری موردنیاز جلوگیری می‌کند.
۶. نقش رو به رشد پول در سیاست
۷. تقسیمات ناعادلانه، افراد قدرتمند را برای انتخاب مجدد برمی‌گزیند.
۸. نخست وزیران و قدرتمندان کاندیداها را برای کسب موقعیت‌های مهم تر راهنمایی می‌کنند.
۹. درگیری دائمی بین رئیس‌جمهور و کنگره
۱۰. درگیری دائمی بین دولت‌های فدرال و ایالتی
۱۱. آمادگی دیوان عالی برای بازبینی فعالیت‌های قانونی
۱۲. پیچیدگی تصویب اصلاحات جدید
۱۳. پیچیدگی ایجاد یک سیاست خارجی خوب
۱۴. مسئولیت‌پذیرتر کردن آژانس‌های دولتی

1 Vermont and New Hampshire

2 Oligarchy or a Plutocracy

در ادامه این ۱۴ چالش را برای دموکراسی آمریکا بررسی خواهیم کرد. بسیاری از آمریکایی‌ها دوره‌های حقوق مدنی را نگذرانده‌اند یا فراموش کرده‌اند که این سیستم قرار است چگونه کار کند. هدف من این است که به مخاطب درک بهتری از نحوه کار دولت‌ها در عمل، ارائه بدهم.

سیاستمداران آمریکایی همواره استثنا گرایی^۱ آمریکا را تحسین کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که آمریکا بهترین سیستم اقتصادی سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) و بهترین سیستم سیاسی مردم‌سالاری (دموکراسی) را دارد. آمریکایی‌ها پس از تبدیل شدن به ثروتمندترین ملت در جهان، ممکن است مانند مردم انتخاب شوند. ما به‌ویژه به قانون اساسی ایالات متحده و نبوغ بنیان‌گذاران آن بنیامین فرانکلین^۲، جیمز مدیسون^۳، توماس جفرسون^۴، جان آدامز^۵ و بسیاری دیگر اشاره کردیم. این گروه باتجربه، با همکاری یکدیگر یک قانون اساسی و یک لایحه تصویب کردند که به آمریکایی‌ها نوید زندگی، آزادی و شادی بهتری را می‌داد.

اکنون بیایید صریح باشیم، قانون اساسی و لایحه حقوق، عالی است. شهروندان می‌توانند آزادانه هر تجارتی را شروع کنند و تا حدی که محصولات و خدماتشان مشتریانشان را راضی کند، موفق شوند یا شکست بخورند. کسب‌وکارها توسط دولت اداره نمی‌شوند بلکه توسط شهروندان خصوصی که به‌صورت انفرادی یا شریکی زندگی می‌کنند یا برای تشکیل سازمان‌هایی که تجارت خود را دنبال می‌کنند، شریک می‌شوند، اداره می‌شوند. در حقیقت، دیدگاه این است که دولت می‌بایست حداقل (دست‌کم) امنیت و دفاع، جاده‌ها، پلیس و آتش‌نشان، بندرگاه‌ها و پل‌ها، امکانات آموزشی و بهداشتی و عدالت را برای همه فراهم کند. دموکراسی بر این پایه بنا شده است که مردم باید آینده‌ی مملکت را شکل دهند. هدف من این است توضیح دهم که چگونه می‌توان با به‌کارگیری این ۱۴ چالش کارایی نهادهای سیاسی اصلی دموکراسی، کنگره، رئیس‌جمهور، دیوان عالی و دو حزب سیاسی، ایالت‌ها و آژانس‌های دولتی را بهبود بخشید.

من معتقدم که اصلاحات لازم و شدنی هستند. همچنان که ثبت رأی‌دهندگان در حال محدود شدن و تقسیم غیرعادلانه در حال زیاد شدن است و همچنان که قدرت مالی در دست میلیونرها و میلیاردرهاست، به‌سرعت در حال از دست دادن دولت نماینده‌ی مردم هستیم. من به‌عنوان یک دکتر اقتصاددان و یک شهروند علاقه‌مند به رأی دادن می‌نویسم. من از پیچیدگی سیستم دموکراتیک کشور آگاهی دارم. خوشبختانه، در تلاش برای حل شبکه‌ای از مشکلات در دموکراسی ما، دغدغه‌ها و راه‌حل‌های ارائه‌شده‌ی من به شهروندانی که نگران چنین موضوع‌هایی هستند کمک می‌کند. من امیدوارم که مطالعات و یافته‌هایم منجر به بحث و تصمیم‌گیری‌های مفید شود.

1 Exceptionalism
2 Benjamin Franklin
3 James Madison
4 Thomas Jefferson
5 John Adams

در سال ۲۰۰۰ کولین کروچ^۱ کتابی با عنوان مقابله با پسا دموکراسی^۲ منتشر کرد. او پسا دموکراسی را به عنوان یک سیستم که نشان‌دهنده سخترانی آزاد از دموکراسی و انتخابات است تعریف می‌کند اما در تحقق دموکراسی واقعی محدودتر شده است. مردم رأی می‌دهند اما در واقع تفاوت خاصی ایجاد نمی‌شود. سیستم سیاسی دارای مشکلات جدی است، اما به نقطه‌ای نرسیده که بتواند راه‌حل‌های واقعی را ارائه دهد. مشکل این است که این سیستم دیگر توسط رأی‌دهندگان کنترل نمی‌شود بلکه توسط ثروتمندان و قدرتمندان کنترل می‌شود. ما نمی‌خواهیم به پسا دموکراسی قانع و راضی باشیم این کتاب درباره بازگشت به دموکراسی واقعی صحبت می‌کند.

1 Colin Crouch

2 Coping with Post-Democracy